

را آشکار و آنان را رسوا کنید زیرا خداوند نیز عیوب آنها را نمایان و آنان را رسوا می‌سازد"

آیا مردانگی است که کسی با برادر دینی خود در مرحله ظاهر طرح دوستی بریزد و اعتماد او را بخود جلب و باصطلاح محرم اسرار او باشد ولی در باطن دشمنی با او کرده لغزشها و اشتباهات و نقاط ضعف را دقیقاً بررسی نماید تا روزی او را رسوا نماید. آیا این کار با صفا و صمیمیت مخالفتی ندارد؟ آیا این عمل منافی با حقوقی که هر مسلمانی بکردن هر مسلمان دیگر دارد نیست؟ آیا این، دورویی و نفاق محسوب نمی‌شود؟ از اینرو هیچ تعجبی ندارد اگر بگوئیم که جستجو کنندۀ عیوب و لغزشهای دیگران و سوء استفاده از آن درست در مرز کفر و بیدینی قرار گرفته است. باینکه در ظاهر مسلمان بوده و حتی نماز و روزه و سایر اعمال واجبی و مستحبی خود را به موقع انجام می‌دهد.

امام باقر (ع) فرمود: "مَنْ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَمْدُ إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يُؤَاخِي الرَّجُلَ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْبِي عَلَيْهِ زَلَاتِهِ لِيُخْبِرَهُ بِهَا يَوْمًا"<sup>۵</sup>

"از چیزهایی که اسان را بمرز کفر نزدیک می‌سازد این است که کسی با برادر دینی خود ظاهراً طرح دوستی بریزد و لغزشهای او را در نظر داشته، آنها را جمع آوری کند تا روزی از او بدگویی کرده او را رسوا نماید."

از این جهت در برخی از روایات می‌خوانیم که پیشوایان دینی ما از این صفت مذموم بعنوان "عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ" توصیف کرده اند چنانکه روزی از امام صادق (ع) سؤال شد که میان مردم شایع است که می‌گویند عورت مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است (عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ) آیا مراد از آن چیست؟ آنحضرت فرمود مراد از آن معنای ظاهر و شایع در میان مردم نیست بلکه مقصود این است که کسی همسواره مترصد باشد که برادر مسلمانش حرفی بزند که در آن نقطه ضعفی باشد و او، آنرا حفظ کند تا در فرصت مناسب هنگام خشم و غضب او را به باد انتقاد گرفته رسواش نماید (...). اِنَّمَا عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَرَاهُ يَتَكَلَّمُ بِكَلِمٍ يُعَاتُ عَلَيْهِ فَيُحْفَظُهُ عَلَيْهِ لِيُخْبِرَهُ بِهِ يَوْمًا إِذَا غَضِبَ (ع)

- ۱- حجرات آیه ۱۴
- ۲- آیه ۱۹ سوره نور: اِنَّ الدِّينَ جَبِيْنٌ اَنْ تَشِعَّ الْفَاحِشَةُ... "که بعد از ترجمه آن می‌آید، باین نکته اشاره می‌کند."
- ۳- جامع السعادات ج ۲/۲۷۹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): "مَنْ اَدَاعَ فَاَحْسَنَ كَانُ كَمْتَدِّبِهَا"
- ۴- وافی ج ۳/ ۱۶۳ ۵- جامع السعادات ج ۲/ ۲۷۹ ۶- وافی ج ۳/ ۱۶۳



## آیات تشیع منشأ ایرانی دارد؟

پیدایش "تشیع" همزمان با پیدایش "اسلام" است، باین معنی که پیامبر اسلام، دورسالت داشت یکی رسالت پیغمبری و ابلاغ پیام به مردم، رسالت دوم امامت و رهبری جامعه در ساختن امت، که همین منشأ تشیع می‌باشد

### داود الهامی

آیا علت شیعه بودن ایرانیان یک پیوند زناشویی است؟

برخی از مستشرقان، ایمان ایرانیان را به علی (ع) و خاندانش بدانگونه توجیه می‌کنند که "شهربانو" همسر امام حسین (ع) دختر بزرگدرد ساسانی بوده است و در نتیجه امام حسین داماد ایرانیان می‌شود و ائمه بعدی نواده‌های دختر بزرگدرد. این حرف کاملاً بیوج و بی‌اساس و حتی مضحک است، زیرا اگر ایرانیان به بزرگدرد و دودمان ساسانی علاقه داشتند به خود بزرگدرد پناه می‌دادند در صورتی که در تاریخ می‌بینیم بزرگدرد پس از آنکه در پایتخت نتوانست مقاومت کند با دربار و حرمسرای خود درحالی که هزار طباط و هزار تن رامشگر، هزار تن یوزبان، هزار تن باز بان، و جماعت کثیری از سایر خدمه همراه او بودند و او هنوز این گروه را کسم می‌دانست شهر به شهر و استان به استان فرار می‌کرد و پناه می‌جست و مردم ایران اگر می‌خواستند به او پناه بدهند و از او حمایت نمایند، می‌توانستند ولی به او پناه ندادند ناچار به بلخ گریخت و عاقبت بدست آسیابانی به قتل رسید.

چگونه است که ایرانیها به خود بزرگد پناه ندادند، بلکه هیچجه سال در تعقیبش بودند ولی حال بخاطر دامادش مذهب عوض می‌کنند، و اهل بیت پیغمبر را به خاطر بیوند با بزرگد محترم می‌شمارند، و قلب خود را به عشق و محبت آنها اختصاص می‌دهند و عالیترین احساسات خود را نثار آنان می‌نمایند.

ثانیا - کدام شیعه ایرانی به مادر امام سجاد (شهربانو) به جهت ایرانی بودنش مقام و موقعیت بیشتر از مادران سایر ائمه (ع) که بعضی آنها عرب و بعضی از آفریقا بودند، قائل است؟ و کدام شیعه ایرانی در دل خود به شهربانو، اجرامی بیش از نجس خانون مادر گرامی حضرت حجة بن الحسن (ع) که یک فرد رومی بوده است، احساس می‌کند؟

ثالثا - اگر ایرانیان ائمه اطهار را بخاطر انتساب آنها به خاندان ساسانی مورد احترام قرار می‌دهند" می‌بایست همین دلیل برای خاندان اموی سر احترام قائل باشند زیرا حتی کسانی که وجود دختری به نام شهربانو برای بزرگد انکار می‌کنند این مطلب را قبول کرده اند که در زمان ولید بن عبدالملک در یکی از جنگهای "فتنه بن مسلم" یکی از نوادگان بزرگد به نام "شاه آفرید" به اسارت امسار و ولید بن عبدالملک شخصا با او ازدواج کرد و از او بیزید بن ولید بن عبدالملک معروف به "بیزید ناقص" متولد شد. پس بیزید ناقص، که خلیفه اموی است سب از پادشاهان ایرانی می‌برد و قطعا از طرف مادری شاهزاده ایرانی است.

چرا ایرانیان برای "ولید بن عبدالملک" به عنوان داماد بزرگد و برای بیزید بن الولید به عنوان یک شاهزاده ایرانی، ابراز احساسات نکردند، اما فی المنل برای امام رضا (ع) به عنوان کسی که در ششمین پشت به بزرگد می‌رسد اینهمه ابراز احساسات کرده و می‌کنند؟<sup>۲</sup>

رابعا - از نظر تاریخ اصل داستان شهربانو و ازدواج او با امام حسن (ع) و تولد امام سجاد از شاهزاده ایرانی مشکوک است. اصولا این داستان یکی از مشکلات تاریخی اسلامی است و صورت معما بخود گرفته است. گروهی مادر امام چهارم را دختر بزرگد ندانسته‌اند، گروهی دیگر، وی را دختر این پادشاه می‌دانند ولی نام دیگری جز "شهربانو" به او داده اند. دسته سوم مادر امام سجاد را هر چند ایرانی می‌دانند ولی می‌گویند پدرش بزرگد نبوده او دختر کس دیگری است و بعضیها اصلا او را ایرانی نمی‌دانند.

دراسم او نیز میان مورخان و محدثان اختلاف زیاد است، در روایات و تواریخ

نامهای متعددی برای او ذکر کرده اند هر چند در میان اقوال این قول را قوت بیشتری است که مادر امام سجاد شهربانو دختر بزرگد آخرین پادشاه ساسانی است.<sup>۳</sup> البته اگر این داستان از نظر تاریخی هم درست باشد، این پس از آن است که از پیدایش مذهب شیعه سالها گذشته بوده است، بنابراین گرایش ایرانیان به تشیع نمی‌تواند مولود شایعه شاهزادگی ائمه اطهار بوده باشد.



### آیا تشیع ساخته نژاد ایرانی است؟

و نیز قول برخی از مستشرقان که می‌گویند "مذهب شیعه را ایرانیان بوجود آورده اند و تشیع تعبیر گونه‌ای بود از اسلام در نظر ایرانیان و واکنش روح ایرانی در برابر عرب" کاملا بی‌معنی و دور از حقیقت است زیرا اولاً - بقول دانشمند روسی "پتروشفسکی" "این عقیده از یک اندیشه به ظاهر علمی، ولی کاذب، که در مفزهای دانشمندان اروپائی ریشه دوانیده بود، ناشی شده است دایر بر اینکه مسعفات و ایدئولوژی‌های بشری، طبیعت نژادی دارند و "دینهای نژادی" وجود دارد اینان در عین حال مفهوم نژاد، یعنی نوع مشخص موروثی را، از لحاظ مردم شناسی، باقوم یعنی مردمی که از لحاظ فرهنگ و تربیت اشتراک دارند و متشابهند، مخلوط و اشتباه می‌کنند بدین سبب گرایشی در ایشان پدید آمد که مذهب اسلامی سنی را (کش نژاد عرب" و اسلام شیعی و صوفیگری را، "دین نژاد ایرانی" یا "واکنش روح ایرانی در برابر عربیت" بخوانند. اما در واقع در تاریخ بشر اصولا ادیان نژادی وجود نداشته است..."<sup>۴</sup>

ثانیا این مطلب آنگاه می‌تواند درست باشد که شیعه منحصر به ایران باشد و لااقل نخستین گروه شیعه را ایرانیان تشکیل بدهند و در غیر ایران هم شیعه پیدا نشود در حالیکه این طور نیست، شیعه منحصر به ایرانی نیست و در غیر ایران هم شیعه زیاد بوده و هست. و نخستین گروه شیعه نیز ایرانیان نبوده، بلکه به استثناء سلمان، همه عرب بودند و حتی در خود ایران تا زمان صفویه شیعه‌ها در بسیاری نقاط در اقلیت بودند، فقط در بعضی از شهرها شیعه‌ها اکثریت داشتند.

چنانکه "یاقوت حموی" بزرگ جغرافی دان اسلامی، تا اوایل قرن هفتم



شهری را که مردمانش شیعه امامی باشند یاد نمی‌کند، جز دو شهر یکی قم - آنهم در اثر مهاجرت عربهای یمن و دیگری کاشان.

درباره قم می‌نویسد قم شهری است اسلامی، و در آنجا از ایرانیان کسی سکنی ندارد و ساکنان آن شهر، همه شیعه امامی هستند.<sup>۵</sup>  
و عین این مطلب را درباره کاشان نیز نوشته است.<sup>۶</sup>  
البته این تصریح از یک چنین جهان‌گردی، حاکی از آنست که تا اوایل قرن هفتم که این مرد در آن روزگار می‌زیسته، جز دوشهر در ایران، شهر شیعه نبود، ایرانیان شیعی، بصورت یک اقلیت در نقاط مختلف ایران زندگی می‌کردند و این موضوع تا زمان صفویه ادامه داشت. پس اگر تشیع منشاء ایرانی داشت، می‌بایست ایرانیان از اول شیعه می‌شدند.

ثالثا - از لحاظ تاریخی نیز فرضیه منشاء ایرانی داشتن تشیع نادرست است زیرا قبل از مسلمان شدن ایرانیان، تشیع وجود داشته است و آغاز پیدایش شیعه از زمان حیات پیغمبر اکرم (ص) می‌باشد و حتی نام " شیعه علی" و " شیعه اهل بیت" در سخنان پیغمبر اکرم (ص) بسیار دیده می‌شود.

فی‌المتل جابر می‌گوید نزد پیغمبر (ص) بودیم که علی (ع) از دور نمایان شد پیغمبر فرمود سوگند بکسیکه جانم در دست اوست این شخص و شیعیانش در قیامت رستگار خواهند بود.<sup>۷</sup>

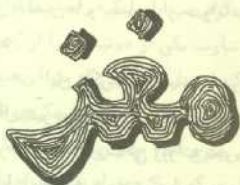
این عباس می‌گوید وقتی آیه "رَأَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاللَّهُ لَهُمْ خَيْرٌ الْعِلْمِ" نازل شد پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود مصداق این آیه تو و شیعیانست می‌باشید که در قیامت خوشنود خواهید بود خداهم از شما راضی است.<sup>۸</sup>  
و اهل لغت نیز تصریح می‌کنند که نام ( شیعه) بر پیروان علی (ع) و فرزندان او و دوستان آنها، اطلاق شده تا آنجا که اسم خاص آنها گردیده است.<sup>۹</sup>

حتی از اخبار و تواریخ برمی‌آید که در زمان پیغمبر اکرم (ص) عده قابل توجهی، از صحابه، از خواص و ملازمین او بودند و او را امام و پیشوای خود می‌دانستند و از همان زمان بنام شیعه علی شناخته می‌شدند.

و بعضی از بزرگان و صاحب نظران افراد شیعه را که جزء اصحاب پیغمبر (ص) بودند از کتب تراجم صحابه مانند " الاصابه" و " الاستیعاب" جمع آوری کرده‌اند تعداد آنها بالغ بر سیصد نفر می‌باشد<sup>۱۰</sup> و از این جمع فقط سلمان ایرانی بوده و بقیه عرب و یا احیاناً از ملت‌های دیگر بودند.

بقیه در صفحه ۷۱

پژوهشهایی نو، پیرامون



هر روز که می‌گذرد، بشر به اکتشاف‌های جدیدی دست می‌یابد،  
جالب و شگفتی‌آور

اکتشاف‌های جدید پیرامون مغز، یک میدان عظیم پژوهشی در برابر دانشمندان قرار داده است.

بیش از ده سال است که بشر در درون سر خود به یک اکتشاف چشمگیر ویک سیر و سفر باورنکردنی دست زده است، از یمن فنون پیشرفته و پژوهش‌های گوناگون با گذشت‌ه‌رماه در این ماشین تفکر که در حدود ۱۵۰۰ گرم وزن دارد، اکتشاف‌های جدیدی صورت گرفته است.

سال هیجدهم شماره ۵

این پیشرفت‌ها در دوزمین حاصل شده است.

۱- عدم تقارن کار مغز انسان، تقسیم یکسان وظایف فکری بین دو نیمکره مغز بین نیمکره‌ی " متفکر" و نیمکره‌ی " هنرمند" بین نیمکره معنوی و نیمکره مادی.

۲- شیمی، بیوشیمی و ویژه‌نوروشیمی. مغز انسان ماشینی است شگفتی‌آور با یک پیچیدگی دیوانه‌کننده که نوروشیمی در ارسال، انبار، و تفسیر داده‌ها نقشی مهم بازی می‌کند. این آشنایی برای مداوای بیماری‌های عصبی، جنون و شاید هم معنادان به‌مرقین راه‌های جدیدی به روی دیدگان انسان گشوده است.

مغز راست و مغز چپ

" جوزف بوگن" از کلینیک " روسی" برای کاهش شدت بحران در نزد بیماران مصروع، روی بخشی از مغز مطالعه کرده که بین دو نیمکره‌ی مغز رابطه ایجاد می‌کند، بوگن با این مطالعه وضع تجربی منحصر به فردی ایجاد کرده است مغز چپ و مغز راست بیماران کاملاً جدا از یکدیگرند، از یمن این عمل جراحی که اصطلاحاً " عمل مغز جدا شده" نام گرفته می‌توان جریان کار دو نیمکره مغز را جداگانه مطالعه کرد و به‌ویژه به‌نقش هر یک از دو نیمکره پی برد.

" راجر اسپرری"، روانشناس انستیتوی کالج با نشان دادن تقسیم وظیفه‌ی

گسستن این پیوند هاست ، در حقیقت اینگونه ازدواجها از آغاز گره نخورده بود تا از هم کسسته شود ، در آغاز جدائی بود نه پیوندی که به جدائی بیانجامد خانه‌هایی است که از پای بست ویران است ، قالبب بیروحی است از ازدواج که آنرا موقتا سرپا نگه داشته اند و با یک نسیم مختصر روی زمین می غلطد و نابود می شود .



۱- کیهان شماره ۱۰۳۹۰ صفحه ۵

بگیرند . زناشویی یک پیوند عاطفی ، روحی اخلاقی و قلبی است که تنها بر محور کامیابی جسمی و جنسی دور نمی زند ، پایه آنرا " قانون " و " مقررات " تشکیل نمی دهد بلکه اخلاق و ایمان و وفاداری و جوانمردی و عواطف عمیق انسانی است ، دو همسر شریک زندگی یکدیگر در تمام سطوح مخصوصا در سطح روان و عاطفه هستند .

برداشت غلط بسیاری از مردم - مخصوصا دست پروردگان مراکز زندگی ماشینی - از پیوند زناشویی و متروک ماندن آداب و سنن که آنرا از شکل صرفا مادی بیرون می آورد ، عامل موثر دیگری برای از هم

بقیة : لبّار جهان ۱-۳۵۰ . . .

مسجد در " لیبسون "

برادر " عبدالله کارا " از لیبسون می نویسد دولت پرتغال محوطه‌ای بمساحت تقریبا ۲۶۷۰ متر مربع زمین در وسط شهر لیبسون از تاریخ ۱۸ فوریه برای مرکز اسلامی و مسجد واگذار نموده است ، دولت سعودی و امارت‌های متحد عربی هزینه تاسیس بنا را عهده دار شده اند و دولت مراکش نیز وعده نموده است که در اجرای طرحهای ضروری شرکت خواهد کرد . متصدی مسئول این عمل اسلامی در پرتغال برادر " سلیمان ولی " خواهد بود .

جشن میلاد پیامبر اسلام در استرالیا

برادر قادر بخش ، بما اطلاع میدهد که جشن میلاد مبارک رسول اکرم (ص) در ماه ربیع الاول در استرالیا با موقعیت برگزار شد و جندتن از سخنرانان در زمینه‌ها و جنبه‌های گوناگون زندگی حضرت پیامبر اکرم (ص) خطابه‌هایی ایراد کردند . دانشجویان و سالخوردگان گروه مسلمان استرالیا با شکوه و جلالی تمام در این جشن شرکت داشتند .

در صورت از مجموع این گفتار بخوبی روشن می شود که سخنان مستشرقین درباره بددانش تشیع و شیعه بودن ایرانیان ، بی اساس و بی مدرک است .

- ۱- ایران در زمان ساسانیان ، کریستن سن صفحه ۵۲۸
  - ۲- خدمات متقابل ایران و اسلام ، چاپ اول صفحه ۱۱۷-۱۱۶
  - ۳- در این باره به کتاب نفیس " ری باستان " تالیف دکتر حسین کریمیان صفحه ۴۰۳ تا ۴۱۳ مراجعه شود
  - ۴- اسلام در ایران ، ترجمه کریم کشاورز ، صفحه ۵۰
  - ۵- مراد الاطلاع فی الامکنة والبقاع ، چاپ ایران صفحه ۲۷۸
  - ۶- همان مدرک صفحه ۳۱۰
  - ۷- الدر المنثور ج ۱ ص ۳۷۹ - ابن حجر در الصواعق وهیثمی در مجمع الزوائد نیز این حدیث را آورده است .
  - ۸- غایة المرام صفحه ۳۲۶
  - ۹- مراجعه شود به " نهایة ابن اثیر " و " لسان العرب "
  - ۱۰- مراجعه شود به ( نهایة ابن اثیر ) و لسان العرب
- مراجعه شود به کتاب ارزشمند " الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة " تالیف مرحوم سیدعلی خان - و کتابهای " الاصابة " و " اسد الغابة " و " الاستیعاب "

بقیة - پژوهشهایی بر این نثر ...

مغز را نشان داد به یک مغز " تقسیم شده " عکس خیالی نشان میدهم که نمی تواند وجود خارجی داشته باشد ، چرا که نبجی از آن چهره زن و نبجی دیگر چهره مرد است ، مدت نشان دادن عکس به حدی کوتاه است که نیمگروی چپ مغز فقط می تواند نبجی از عکس را ببیند و نیمگروه راست مغز نیمه دیگر آنرا .

اگر از صاحب این " مغز تقسیم شده " بخواهم چیزی را که دیده برایمان توصیف کند او عکس عجیب و غریب زن و مرد توأم را برایمان تشریح خواهد کرد ، بلکه خواهد گفت فقط طرف راست عکس را

دیده است ولی من و شما که مغزی طبیعی داریم این عکس را همانطور که هست خواهیم دید و اگر از این مرد بخواهم چهره‌ئی را که دیده است در میان عکسها پیدا کند ( دو عکس که چهره مرکب زن و مرد را نشان می دهد در میان عکسهاست ) فقط عکسی را بهمانشان خواهد داد که در طرف چپ قرار دارد و بس ، با این تجربه‌ها میتوان تصویر نمونه‌ی هریک از دو مغز متفکر و هنرمند را ترسیم کرد . مغز چپ اندیشه منطقی و تجرید را کنترل می کند و مغز راست اندیشه واقعی و تشکیل عکس‌ها را . ( نقل و تلخیصی از مطبوعات )

۱- سطح نسبی کورتکس یک دلفین بیشتر است